

خانم زاله مهر جان و فدالگار برادر عزیز و ارجمندم. بر از سلام و نیکی و روی شما عزیزان و بزرگواران  
 مناسبت رهایی از طرف کلیه اقوام خانواده ام (رینزد درست) و آرزوی روزهای خنثی بهتر برای شما  
 نامه ای را که خانم زاله در نهایت ناراحتی نوشته بود مدتی است که رسیده. عمده اشتم چه بنویسم، چه طور جواب  
 بدهم، چون از طرف خنثی ناراحت شده و بوسه، از طرفی هم سر میزند و بخاطر اینکه شکونه کنی از دستم بر نیاید  
 که انجام دهم. نوشته تان روزهای سخت سپری و هر چه بگو گذشت (مثل سخن که از کتاب بگذرد).  
 چه بگویم و چه بنویسم که ناگفتم بهتر است. محبت های بی شائبه و صمیمانه خانم زاله تا زمین و عزیز و هنگام  
 کالت برادر عزیزم طوری است که زبان بی گفتن آن قادر نیباشد. بیدارستی اگر (زاله جان) شما نبود  
 چه میسر و چه نیست گری میخواند در این روزهای سخت و ناراحت کننده ما را تسلی دید و ما را  
 آسوده خاطر کنده. نامه خانم زاله که حاکی از غم و درد بسیار بود ما را خنثی ناراحت کرد ولی از طرفی خوشحال  
 کردم درد دلش را با ما در میان گذاشت. (در مواقع ناراحتی درد دل گفتن انسان را تسکین میکند).  
 عجیب اتفاق ناگوار و ناراحت کننده ای بود مخصوص در شهر ابط سها، که شکر خدا را که به لطف او قضا  
 تا آنه از اربابان یاخته. جریان کالت و مسافرت را کم و بیش میدانم و به امید روزی که بتوانم از  
 نزدیک و بیطرف و مفصل از زبان خودتان بشنوم. در هر صورت من و حسن مهرزاد و مجید و شهلا و لیدا در کنار  
 سوگوارم بنویسند که از اینکه صحبت و همصفتی شما خانم زاله عزیز بسیار بسیار گوارا و امیدواریم که  
 فرد فرد ما روزی بتوانیم گوشت ای اینکه ایشا و فداکاری ایشان را چه در گذشته در از مدت و چه  
 اکنون بهر آن کنیم و این توفیق نصیبمان گردد و پیشین روزی به عین به بینیم. بر از کالت و  
 بیماری مسئله به اینجاست رسیدن کار برادر عزیزم میباید که حالت یک مجزوه را داشته. امیدوارم که  
 هنوز این مطلب را و در ظاهر بهتر شود در باطن قبول داشته باشد. بنظر من برادر هم در شمار  
 خوش شانس ترین انسانهای روی زمین بود و در مواقع کاملاً اضطراری بهترین شانس را آورده  
 که کلیه این بدی آید ما به جواب بهتر شبانیت دارد تا بیداری. این جمله را همیشه به شکر گفته ام  
 چون بنظر من او هم از جمله انسانهای خوش شانس میباشد. زبا و بنیت چون (بچه هلال زاده  
 به دانی اش میرود. امیدوارم که برادر عزیزم قدر کلیه نصیحت های را که دارد بداند (که شما میدانم)  
 چون از غم و درایت او در زنده نگذاشتن منم و انتظار داشت. دانی شمی حواشیه ک نیت  
 که بچه های من در تکلیف خنثی قبول دارند و همیشه به خوش و نامش افتخار میکنند. من کوهک از آنم  
 که بخوابم به سکه درسی داده یا نصیحت کنم ولی میخواهم از برادر عزیزم خواهی کنم که در این روزهای  
 خوبی که فعلاً پس آمده و قدر عزیزان که دورش را گرفته اند بیشتر از پس بداند. ما هم دو را دور

۲۲ | ۱۳۹۰ | ۵۲۶۱ | ۶۹۰۰

شاهد شادیهایی که باقی در آنها شریک باشیم. باز هم امید داریم که بقیه مراحل کار با بیست کار عزیزان  
 بزین و مهر داد بخوبی پایان پذیرد. از حضورشان تقاضا داریم که ما را در جریان کارها و رویدادهای جدید  
 قرار دهید که خوشحال خواهیم بود. حال ما هم با خوب بودن حال شما خوب است و خداوند رسیدن شما به مقصد  
 باریگران از جانشینی برداشته شده و حقوق را تکب احساس میکنیم. بدینوسیله روی دو صورت  
 که آنها و عزیزان و مهر داد که معنی از این بار را بدوش کشیده وی گفته از در بوسید و تفکرات قلبی  
 خود را تقدیم می‌دارم و آرزوی دیدار در میان را پروردگار داد. محسن  
 هم از کلمه پیش آمدنا نمکین و خوشحال است و بابای ما و مادرم و بیست بدینوسیله برایت  
 بی شجاعتی و سلام و بوسه بابت تقدیم شماست.

آقای گوهری در ایران هستند و سلام و ارادتشان را تقدیم مینمایم. فامیل گوهری عزیز و در اتریش  
 بزمینند و شهر زاد و محمد و لیلی. رهنمایان بسیار بسیار با بوسه های فراوان  
 برابر فرد فرد شما عزیزان دارند. روزهای شاد و مبارک شما عزیزان آرزو داریم. طبق گفته فامیل و اله عزیز  
 شاد بودن شماست، شاد گون بزمی والا سر. بابای ما و فرخوان و گرم برای شما عزیزان

با امید روزهای خوب و دیدار عزیزان  
 فریاد شکر  
 مهری